

تاریخ نگاری ازبکان

شجره خوارزمشاهی

نظری به تاریخ نگاری خیوه



نویسندگان: دکتر صالح بیلماز

و دکتر دلشاده مبارکوا

مترجم: محمد قجقی

نویسنده، مترجم و پژوهشگر تاریخ ترکستان

یادداشت

نخستین سمپوزیوم بین‌المللی درک تاریخی و تاریخ نگاری ترکان، در تاریخ ۲۳ تا ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴ در دانشگاه شهر زونگولداغ ترکیه برگزار شد. مقاله‌ای که ترجمه‌اش تقدیم می‌شود، در کنفرانس مذکور ارائه شده است. امید است انتشار این مقاله فتح‌بابی باشد برای معرفی آثار مورخین ازبک و شیوه‌های تاریخ نگاری آنان، در فصلنامه میرداماد. (مترجم)

چکیده

در تاریخ آسیای میانه، اهمیت خیوه و یا منطقه‌ی خوارزم بسیار است، در دوران شکوفایی سیاسی-اجتماعی و به تبع آن توسعه اقتصادی-فرهنگی این منطقه، آثار ارزشمندی، در زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و ادبی پدید آمده است. به‌ویژه آثاری که به‌دست دانشمندان تربیت‌یافته در مدارس خیوه، سمرقند، بخارا، خوقند و دیگر شهرها، در دوره‌ی دولت‌های تیموری و خوارزمشاهی، به‌عنوان میراث آن دولت‌ها، به نگارش درآمده و به یادگار مانده‌اند. در دوران خان‌نشین‌های ترکستان (بین قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی) آثار ارزشمندی در زمینه تاریخ ترکستان (آسیای میانه) تألیف شده‌اند. با بررسی دقیق نسخه‌های دست‌نویس برجای مانده از این آثار و نقل و برگردان آن‌ها، درمی‌یابیم که تاریخ نگاری نزد ترکان، مراحل مهمی را از سر گذرانده است. در این مقاله درخصوص برخی مورخین خوارزم و کتاب‌های آنان، هم‌چون بهادرخان، مؤسس، آگهی و به‌ویژه محمدیوسف بیانی و کتاب شجره خوارزمشاهی، اطلاعاتی ارائه خواهیم داد.

واژگان کلیدی: محمدیوسف بیانی- شجره خوارزمشاهی- خوارزم- تاریخ نگاری ترکستان- خیوه-

بهادرخان- مؤسس- آگهی

■ مقدمه

هنگام مطالعه‌ی جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و ادبی خان‌نشین‌های ترکستان، باید در نظر داشت که دوره‌ی خان‌نشین‌ها، که فاصله‌ی بین قرون هفده تا نوزده میلادی را دربر می‌گیرد، مرحله‌ی مهمی است. در این دوره‌ی تاریخی، خان‌نشین‌های بخارا، خوارزم (خیوه) و خوقند در آسیای میانه تأسیس شده بودند. در عین حال دوره‌ی این خان‌نشین‌ها مقارن زمانی است که آثار ارزشمندی در خصوص تاریخ نگارش یافته‌اند. در این تحقیق، ابتدا در خصوص «مؤنس» و «آگهی»، وقایع‌نگاران شناخته‌شده‌ی خیوه، اطلاعاتی ارائه خواهد گردید. سپس درباره‌ی «بیانی»، تاریخ‌نگار مهم پرورش یافته در خان‌نشین خیوه (منطقه‌ی خوارزم) و کتاب او (شجره خوارزمشاهی)، بحث خواهیم نمود.

خان‌نشین‌های مورد نظر، امروزه در محدوده‌ی جمهوری ازبکستان قرار دارند. آموزش و روایت تاریخ، به ساکنان و اهالی ترکستان، در دوره‌های تزاری و شوروی، دارای محدودیت‌هایی بوده و تنها تا آن مقدار که «مجاز» شمرده می‌گشت، آموزش و ارائه داده می‌شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، همه‌ی جمهوری‌های ترک آسیای میانه، اعلام استقلال کرده و تلاش خود را برای تصاحب و تملک میراث تاریخی و فرهنگی خویش آغاز نمودند.

پس از کسب استقلال، در جمهوری ازبکستان، در باره‌ی گذشته‌ی تاریخ‌نگاری، تحقیقات ارزشمندی انجام گرفت. ابتداء کتاب‌هایی که وقایع‌نگاران به نگارش درآورده بودند، ثبت و ضبط گردید و نگارش تاریخ ملی، از نو آغاز شد. این افراد، سرآمدان تاریخ خوارزم و تاریخ‌نگاری آن می‌باشند.

■ ابوالغازی بهادرخان (۱۶۶۳-۱۶۰۳م)

اولین اسمی که در بحث تاریخ خوارزم به ذهن متبادر می‌شود، نام «ابوالغازی بهادرخان» است. آثار او با نام‌های «شجره تراکمه» و «شجره ترک»، از جهت تاریخ ترکان آسیای میانه و تاریخ خوارزم اهمیت دارند.

■ مؤنس خوارزمی (۱۸۲۹-۱۷۷۸م)

مؤنس که مهم‌ترین مورخ و شاعر خیوه (خوارزم) است، در کتابش موسوم به «فردوس الاقبال» نام خود را به صورت «شیرمحمد، الملقب بالمؤنس» قید نموده است. بنابراین این‌گونه به نظر می‌رسد که نام اصلی او «شیرمحمد» و «مؤنس» لقبش بوده است. او چون در روستای «غیات» منطقه‌ی خوارزم به دنیا آمده بود، با نام «مؤنس خوارزمی» هم شناخته می‌شود. از متن کتاب استنباط می‌شود که به زبان‌های فارسی و عربی مسلط بوده است. مهم‌ترین اثر «مؤنس» کتاب «فردوس الاقبال» می‌باشد. تاجایی که اطلاع داریم نه نسخه دست‌نویس از کتاب فردوس الاقبال وجود دارد. از این تعداد دو نسخه در سنت پترزبورگ، پنج نسخه در تاشکند، یک نسخه در هلسینکی و یک نسخه نیز در استانبول نگهداری می‌شوند. کتاب با روایت‌های افسانه‌ای شروع می‌شود و وقایع رخ داده در خوارزم را تا سال ۱۸۲۵ مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب شامل مقدمه، پنج باب و نتیجه می‌باشد. مؤنس از ابتداء تا سال ۱۸۱۳ را به نگارش درآورده است. پس از مرگ مؤنس، کتاب را شاگرد و برادرزاده‌اش «آگهی» به اتمام رسانده است. مؤنس جلد اول کتاب «روضه‌الصفای میرخواند» و بخش اول جلد دوم آن را که تاریخی عمومی است و اثر مورخ شرق (ایران)، از فارسی به ترکی جغتایی (ازبکی) ترجمه نموده است.

■ آگهی (۱۸۷۴-۱۸۰۹م)

آگهی، تخلص اوست، نام وی «محمدرضا» می‌باشد. او برادرزاده‌ی مؤنس بود. در اثنای سفر «اللهقلی خان» فرمانروا، به جای «مؤنس» که از بیماری مسری وبا درگذشته بود، به دستور اللهقلی خان، به عنوان جانشین مؤنس، به منصب «میرابی» منصوب گردید. در سال ۱۸۴۵ به علت سقوط از اسب، پایش شکست و فلج گردید. به همین دلیل در سال ۱۸۵۷ از وظیفه و کار میرابی، استعفا داد. آگهی یک سال بعد از اشغال خوارزم به دست روس‌ها (۱۸۷۳) یعنی در سال ۱۸۷۴ و در ۶۵ سالگی، دیده برجهان بست. او به زبان‌های عربی و فارسی مسلط بود. آگهی علاوه بر ویژگی‌های تاریخ‌نگارانه، از جنبه‌های سیاسی نیز شناخته شده بود. مهم‌ترین آثارش، مطالبی است که در خصوص تاریخ خوارزم به نگارش درآورده است. آن نوشته‌ها: «ریاض الدوله» (سال ۱۸۴۸) «زبده التواریخ» (۱۸۴۶-۱۸۴۵) «جامع الوقایع سلطانی» (۱۸۵۶) «گلشن دولت» (۱۸۶۵) «شاهد اقبال» (۱۸۷۳) می‌باشند. آگهی در عین حال در ابتداء آثار مرتبط با تاریخ «میرخواند» و «خواندمیر» و بعداً آثاری چون: هفت‌پیکر نظامی، گلستان سعدی، قابوسنامه کیکاووس، روضه‌الصفای میرخواند، تاریخ جهانگشای نادری اثر محمد مهدی خان استرآبادی، بدایع الوقایع زین‌الدین واصفی، مفتاح‌الطالبین اثر محمود عُجدوانی، طبقات اکبرشاهی اثر محمد مقیم هراتی، کتاب تذکره مقیم‌خانی اثر محمدیوسف مُنشی، کتاب روضه‌الصفای نادری رضاقلی خان هدایت، اخلاق محسنی اثر حسین واعظ کاشفی، کتاب شرح دلایل الحیرت محمد وارث، یوسف و زلیخای جامی و کتاب شاه و گدای بدرالدین هلالی را به ازبکی برگردانید.

■ بیانی خوارزمی (۱۹۲۳-۱۸۵۸م)

محمدیوسف بیانی، فرزند باباجان بیگ در سال ۱۸۵۸م (۱۲۷۴خ) در روستای «بدرخان» در حوالی شهر خیوه به دنیا آمد. پدرش نوه «التوادرخان»، خان خوارزم (سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۶م) بود. برخی معتقدند بیانی در دربار منصبی نداشته و برخی دیگر نیز بر این باورند که وی از مقربان دربار و دیوان‌بیگی بوده است. وی یکی از مشهورترین چهره‌های فرهنگی و روشنفکران آسیای میانه در سده سیزدهم هجری (سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی) است، که در زمینه‌های ترجمه، تاریخ‌نگاری، شعر و خوشنویسی، آثاری از خود برجای گذاشته و در موسیقی نیز تبحر داشته است. بیانی در انواع خطوط همچون کوفی، ثلث، ریحان و شکسته مهارت داشت و نمونه‌هایی از خط او در کتابخانه‌های ازبکستان و سایر نقاط دنیا موجود است. هم‌چنین وی در گونه‌های مختلف شعر کلاسیک ترکی و فارسی طبع‌آزمایی کرده و دیوانی از اشعار خود به یادگار گذاشته است. بخش عمده‌ی آثار بیانی را ترجمه تشکیل می‌دهد، که ترجمه کتاب «صحایف‌الخبار» درویش احمد از عربی به ترکی، «شیبانی‌نامه» کمال‌الدین بنایی هروی از فارسی به ترکی، ترجمه ترکی تاریخ طبری بر پایه تحریر فارسی بلعمی و... از آن جمله‌اند. مهم‌ترین اثر بیانی، کتاب «شجره خوارزمشاهی» شامل تاریخ سرزمین خوارزم از زمان استیلای مغول تا سال‌های آغازین سده بیستم است، که در ادامه به معرفی آن خواهیم پرداخت. محمدیوسف بیانی در سال ۱۹۲۳م (۱۳۰۲خ) در خوارزم وفات یافت.

■ کتاب شجره خوارزمشاهی و تاریخ‌نگاری خبوه

یکی از مهم‌ترین آثاری که درخصوص تاریخ‌نگاری خوارزم وجود دارد، کتاب «شجره خوارزمشاهی» تألیف محمدیوسف بیانی است، زیرا این کتاب تمام اطلاعاتی را که در کتاب‌های قبل از آن آمده، در یک منبع گرد کرده و کتاب تاریخی پُر حجم و مفصلی پدید آورده است. در این اثر، هم در مورد خوارزم و هم درخصوص آسیای میانه، اطلاعات وجود دارد. بیانی ابتداء آثار مؤنس و آگهی را مورد بررسی و تدقیق قرار داده، سپس وقایعی را که خود تجربه کرده، بدان افزوده و بدین شکل تاریخ مفصل خوارزم را در شانزده بخش تألیف نموده است. از کتاب شجره خوارزمشاهی، دو نسخه‌ی دست‌نویس می‌شناسیم. اولین نسخه در ۵۱۷ صفحه، دارای تاریخ استنساخ ۱۹۱۳م، به شماره ۲۷۴ در بخش نسخ خطی انستیتوی آکادمی علوم ازبکستان ثبت شده و نسخه دوم، در انستیتوی علوم شرقی آکادمی علوم ازبکستان، با شماره ۹۵۹ نگهداری می‌شود. جنبه‌ی مهم دیگر کتاب بیانی، کاربرد یک عده اصول مشخص در تاریخ‌نویسی است؛ وی در ابتداء وقایع تاریخی را به صورت کورونولوژیک و عینی مورد بررسی قرار داده است. محمدیوسف بیانی، در دیباچه‌ی شجره خوارزمشاهی، با ابیاتی در قالب مثنوی، «الله جلّ جلاله، حضرت محمد (ص) و صحابه را ستوده»، سپس در باره‌ی علت و هدف نگارش کتاب، به تفصیل شرح داده است. این توضیحات چنین است: به ترتیب زمانی از سلاله‌ی اللهقلی‌خان تا محمدرحیم‌خان جنّت‌مکان، حوادث روی داده در دوره‌ی هر خان را در یک مجلد بیان کرده، هر یک را به نامی موسوم نموده، از ایام سلطنت آن حضرت تا سال گاو، حوادث را به سبک تحریر کشیده است. مدت‌زمان کوتاهی پس از آن، در سال ۱۲۹۰ (سال مرغ) و اواخر ماه جوزا، بود. «کاو فرمان» فرماندهی نظامی با لشکریان روس، بدون جنگ، وارد خوارزم گردید. یک سال بعد از این رویداد؛ یعنی تقریباً در سال ۱۳۲۹، آگهی هم رحیل عالم بقاء گردید. وقایع ۴۲ سال تحریر نگاشت. اکنون این کار برعهده‌ی حقیر قرار گرفته است. به این ترتیب این‌گونه استنباط می‌شود که «التوزن»، خان آن دوره، به مؤنس دستور داده بود که تاریخ و حالات آباء واجدادمان را در صفحه‌ی تاریخ ضبط نما، یعنی تاریخ اجداد و اولاد ما را بنویس. با این دستور، نوشتن کتاب فردوس الاقبال آغاز شده است. در این کتاب تاریخی که مؤنس نوشته، شرح وقایع تاریخی از زمان حضرت آدم شروع شده و تا زمان «شیرغازی‌خان» پیش آمده است. پس از آن که التوزرخان، فرمانروای خبوه درگذشت، برادرش «محمدرحیم‌خان» جانشین او شد و همان‌گونه که برادرش دستور داده بود، امر کرد تا مؤنس، ادامه‌ی کتاب را تا پایان، به نگارش درآورد. مؤنس نیز دستور خان را به‌جای آورد. او با «شیرغازی‌خان» شروع کرد و سعی نمود وقایع را تا سال هفتم فرمانروایی محمدرحیم‌خان بنویسد. اما خان در همان زمان از مؤنس خواست تا کتاب «روضه‌الصفای میرخواند» را ترجمه نماید. لذا پیش از پایان یافتن کتاب «فردوس الاقبال»، اجل مؤنس فرارسید. اللهقلی‌خان، فرمانروای خبوه، ده سال پس از درگذشت مؤنس، مأموریت تداوم نگارش کتاب موسوم به فردوس الاقبال و اتمام آن را به شاگرد مؤنس، یعنی «آگهی» واگذار نمود. این کتاب که آگهی موفق به اتمامش شد، متشکل از پنج باب و یک خاتمه است. بیانی در کتابی که نگاشته، وقایع مرتبط با مؤنس و آگهی را شرح داده است. به نوشته‌ی بیانی، آگهی از دوره‌ی محمدرحیم‌خان شروع نموده و تا درگذشت او، تاریخش را به‌نگارش درآورد است.

بیانی در این کتاب هدف از نگارش اثرش را نیز شرح داده و نیز علاقه‌مندی خود را برای ثبت و ضبط رویداد تاریخی اشغال خوارزم به دست روس‌ها، بیان نموده است. او می‌نویسد که کتابش را در شانزده باب تنظیم کرده و روشن نموده که در هر باب، به کدام موضوع پرداخته است. بدین صورت او ابواب و دوره‌های مورد تحقیقش را بیان کرده است.

■ معرفی ابواب کتاب شجره خوارزمشاهی

باب اول: تاریخ از حضرت آدم (ع)، تا حضرت نوح (ع) - باب دوم: تاریخ خوانین مغول از حضرت یافت، تا حاکمیت «قنقرات» - باب سوم: تاریخ دوره‌ی حکومت فرزندان «کورلاس» که آخرین ایشان «ابوالغازی بهادرخان ابن یادگارخان» باشد. - باب چهارم: در تاریخ اجداد و اولاد پادشاه - باب پنجم: در تاریخ دوره‌ی محمدامین‌خان - باب ششم: در تاریخ عوض محمد - باب هفتم: در تاریخ دوره‌ی التوزرخان - باب هشتم: در تاریخ محمد رحیم‌خان - باب نهم: در تاریخ الله‌قلی‌خان - باب دهم: در تاریخ رحیم‌قلی‌خان - باب یازدهم: در تاریخ محمدامین‌خان - باب دوازدهم: در تاریخ عبدالله‌خان - باب سیزدهم: در تاریخ قوتلومرادخان - باب چهاردهم: در تاریخ سعید (سید) محمدخان - باب پانزدهم: در تاریخ سعید (سید) محمد رحیم‌خان - باب شانزدهم: در تاریخ سعید اسفندیار محمد بهادرخان.

در کتاب بیانی جنگ‌های صورت‌گرفته در آسیای میانه، یعنی وقایعی که از سال ۱۸۴۶ تا سال ۱۸۷۵ شکل گرفته و تحولاتی که بین سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۹۱۴ روی داده، از زاویه‌ای کمتر شناخته شده، به تفصیل و با ذکر جزئیات به نگارش درآمده است. در این کتاب درباره‌ی سیاست داخلی و خارجی دوره‌ی خان‌نشین خیوه، درگیری‌ها و مجادلات داخلی، کشمکش‌ها بر سر تاج و تخت، اوضاع عمومی مردمی که تحت تأثیر آن وقایع بوده‌اند، به صورت مفصل شرح داده شده است. بیانی در کتاب از نفرتش نسبت به جلادان تزاری «کاوفمان»، «گولوواچوف»، «اسکوبلف» و امثالهم، که فرماندهی لشکریان روسیه را در اثنای گشودن خان‌نشین خیوه برعهده داشته‌اند، سخن رانده است. اوضاع مردم در مقابل این اشغالگران را، به وضوح ترسیم و توصیف نموده است. اهمیت این اطلاعات در آن است که بیانی خود به چشم خویشتن، شاهد اشغال خیوه به دست روسیه‌ی تزاری و تحولات پدیدآمده، بوده است. او این رویدادها را در کتابش آورده و نمونه‌هایی را ارائه نموده است. این کتاب از جهت تاریخ‌نگاری تُرک آسیای میانه، ماهیتی انقلابی دارد. اگر از زاویه‌ی تاریخ‌نگاری بنگریم، این کتاب اطلاعات موجود در همه‌ی کتاب‌های تاریخی نوشته شده در دوره‌ی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را سگه‌ی یک پول و کاملاً بی‌اعتبار کرده است.

در این کتاب، پیرامون واقعه‌ای که موجب اشغال خیوه به دست روسیه گردید، این‌گونه توضیح داده شده است: برخی از اتباع روسیه که در کناره‌های دریای خزر به ماهیگیری مشغول بوده‌اند، به دست قزاق‌های مانقشلاق اسیر شده، در خیوه به عنوان برده، به فروش رسیدند. اگرچه روسیه پس از اطلاع از این امر، با ارسال نامه‌ای به خان خیوه، درخواست برگرداندن همه‌ی اسرای روس را نمود، خان درخواست را نپذیرفت. هرچند این رویداد سبب اشغال اعلام شده، اما اساساً روسیه قصد تصرف خیوه را داشت و قبل از این واقعه، پنج بار به خیوه لشکرکشی نموده بود. علاوه بر این، در همین دوره، سمرقند، بخارا، خوقند و زرافشان نیز به اشغال روسیه درآمده بودند. روسیه در اثنای تصرف خیوه، به همه‌ی مردمانی که در مسیر

حرکتشان زندگی می‌کردند، آزار می‌رسانید و بی‌رحمانه به قتل می‌آورد. بیانی وقایعی را که به چشم دیده بود، با صراحت به نگارش در آورده است. روسیه برای استثمار منابع غنی آسیای میانه، منطقه را به اشغال درآورده بود. پس از اشغال، کشتزارهایی که به کشت سبزی و میوه اختصاص داشتند، به مزارع کشت پنبه تبدیل شدند. مردمانی که در آسیای میانه زندگی می‌کردند، رسماً به بردگی کشیده شدند.

در کتاب بیانی، نمونه‌های زیادی ارائه شده که نشان می‌دهند، روس‌ها نه تنها منابع طبیعی آسیای میانه، که در عین حال ارزش‌های معنوی مردم را نیز مورد استثمار قرار داده‌اند. وقتی روس‌ها خپوه را به اشغال درآوردند، تعداد ۳۰۰ کتاب دست‌نویس را که محمد رحیم خان، فرمانروای خپوه در یک اتاق نگهداری می‌نمود، مصادره کرده، به سنت پترزبورگ فرستادند. بیانی این وقایع و رویدادها را در کتاب توضیح داده است. در کتاب شجره خوارزمشاهی، تألیف محمدیوسف بیانی، فقط اطلاعات مرتبط با تاریخ خپوه وجود ندارد، بلکه فرمانروایان خان‌نشین خوارزم و شخصیت‌های مهم ایشان را نیز شناسانده است. در این کتاب محمد رحیم خان (فیروز)، هم به عنوان خان و هم یک شاعر، توصیف و تعریف شده است.

در این کتاب نمونه‌هایی در خصوص تحولات پدید آمده در دوره‌ی محمد رحیم خان (۱۹۱۰-۱۸۶۵)، در زمینه‌های علم، فن، ادبیات و هنر و غیره، ارائه شده است. محمد رحیم خان به مطالعه‌ی کتاب علاقه‌ی زیادی داشت. اطلاعاتی در دست داریم که نشان می‌دهند او هفته‌ای دو بار (جمعه‌ها و دوشنبه‌ها) با گرد آوردن دانشمندان، جلسات خوانش کتاب دایر می‌کرده است. علاوه بر این، نمونه‌هایی از مساجد و مدارس ساخته شده در دوره‌ی محمد رحیم خان، هنوز هم قابل مشاهده می‌باشند. بیانی ضمن تشریح تحولات پدید آمده در این دوره، این موضوع را که محمد رحیم خان، فرمانروایی بی‌رحم و سنگدل بوده را نیز مطرح نموده است.

بیانی در اثرش، ضمن ارائه اطلاعات تاریخی، در خصوص اوضاع ادبی و در رأس آن‌ها، چگونگی وضع شعراء، اطلاعات ارزشمندی داده است. او معلومات تازه‌ای درباره‌ی زندگی و اشعار شعرائی چون: مؤنس، آگهی، کامل، خسروی، کامران و مرادی آورده است. نمونه‌های منظوم و برخی مقتبسات، که در دیگر آثار دیده نمی‌شود، در این کتاب وجود دارد. اگرچه این کتاب، در کلیتش بر توضیح مطالب تاریخی تأکید داشته، اما اطلاعات گسترده‌ای در خصوص ادبیات، رسوم و عادات، مراسم عروسی و عزاداری، ویژگی‌های زبانی و فرهنگی ارائه کرده است.

نتیجه

تاریخ‌نگاری خپوه، مرحله‌ی مهمی از تاریخ‌نویسی تُرک است. پیشگامان واقعه‌نویسانی که تاریخ نوشته‌اند، مؤنس و آگهی هستند. اگرچه بیانی، کتابش را به عنوان یک واقعه‌نویس آغاز نموده، تمام جنبه‌های وقایع تاریخی را مورد بررسی قرار داده است. فی‌الواقع نمونه‌ی مهمی از تاریخ‌نویسی جدید ارائه نموده است. کتاب بیانی به خاطر روشن نمودن جنبه‌های ناشناخته‌ی تاریخ ترکان آسیای میانه، ارزش دارد و هم‌چنین در خصوص بازنویسی تاریخ نیز منبع معتبری به حساب می‌آید.

■ **تذکر: منابع در دفتر نشریه موجود است.**